

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



هیئت تحریریه:

اکرم جواهری

فاطمه دیانتی

اشرف صفری

مریم کاویانی

زهرا ناطقیان

سردبیر و طراح:

فاطمه قائلی

آدرس: تهران، پاسداران، میدان هروی، بلوار شهید پناهی نیا، قبل از پل شهید زین الدین
خیابان شهید نادر زندی، انتهای کوچه قادری، پلاک ۷۹، حوزه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها

شماره تلفن: ۲۶۳۲۴۰۵۸

نشریه الکترونیک - شماره ۳
فصلنامه پاییز ۱۴۰۰



فهرست مطالب

۱. سخن سردبیر..... ص ۱
۲. یاد و یادگیری از استاد فقید..... ص ۲
۳. تبیین وحدت حوزه و دانشگاه از منظر رهبرانقلاب..... ص ۴
۴. زندگی نامه شهید عبدالحمید دیالمه..... ص ۷
۵. راهبرد اقتصادی پیامبر اسلام در جنگ (بدر، احد و خندق)..... ص ۹
۶. الگوی مدیریت جهادی انصار..... ص ۱۴
۷. در سوگ استاد..... ص ۱۹
۸. معرفی کتاب انسان خلوت و خلوت انسان..... ص ۲۱

سخن سردیر

با عرض سلام و ادب خدمت مخاطبان گرامی نشریه الکترونیک رهروان زینبی سلام الله علیها. بار دیگر الطاف الهی شامل گروه پژوهش این مدرسه علمیه شد و توانستیم سومین شماره از فصلنامه را با هدف طرح اندیشه اسلامی در حوزه های مختلف علوم و معارف، در سایت مدرسه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها منتشر کنیم.

در فصلنامه پاییز بیشتر مطالب نشریه حول محور هفته وحدت و شخصیت پرفروغ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به تحریر درآمده است. برخی مطالب نیز در ادامه ستون های شماره قبل منتشر شده است مانند یاد و یادگیری از استاد فقید، زندگی نامه شهید دیالمه و معرفی یکی از کتاب های ایشان. در این شماره، ستونی به سوگ استاد اختصاص داده شده است که پیرامون شخصیت استاد مرحوم، خانم دکتر فاطمه سروری می باشد. ضمن دعای مغفرت و علو درجات برای ایشان، امید است همکاران و شاگردان خود را مانند قبل از دعای خیر خود نزد پروردگار متعال بهره مند نمایند.

از عزیزانی که مایل به همکاری با این نشریه الکترونیک در تولید محتوا هستند دعوت می شود که مقالات خود را با ویژگی های ذیل به آدرس ایمیل حوزه (zeynabe_kobra@yahoo.com) ارسال نمایند:

۱. مقالات علمی با درون مایه علوم و معارف اسلامی باشد.
۲. مقالات در محیط word، با فونت B Lotus، شماره ۱۴ ارسال شود.
۳. مقاله قبلا چاپ نشده باشد.
۴. ارجاعات در پایان متن مقاله تنظیم شود.
۵. لازم به ذکر است فصلنامه در ویرایش و تلخیص مقالات ارسالی آزاد است. پیشاپیش از حسن توجه، انتقادات و پیشنهادات سازنده شما متشکریم. نقل مطالب نشریه با ذکر مأخذ بلامانع است.

و من الله التوفیق

یاد و یادگیری از استاد فقید

اهمیت اعتبار منابع و مآثوره بودن احادیث و دعاها

از خصوصیات دیگر ایشان که می تواند برای پژوهشگران و طلاب محقق بسیار قابل توجه باشد، دقت و حساسیت ایشان به اعتبار منابع و مآثوره بودن احادیث و دعاها بود. این ویژگی برای کسانی که پایان نامه یا مقاله می نویسند و یا مبلغ و سخنران هستند نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. استاد جواهری در این مورد نیز این گونه بیان کردند: این ویژگی را حتی افرادی که کم ترین برخورد و ارتباط را با ایشان داشتند، متوجه می شدند. وقتی حاج خانم لواسانی می خواستند دعایی را بخوانند به سند آن دعا توجه می کردند. درست است که مرحوم «شیخ عباس قمی» مولف «مفاتیح الجنان»، عالم برجسته ای هستند و برای تالیف این کتاب زحمات زیادی کشیدند اما بعضی از دعاها و نمازها که در این کتاب آمده بدون سند است و وقتی سوال شده، گفته اند: این ها را رجائاً می توانید بخوانید به امید این که به ثواب برسید. خانم لواسانی نظرشان این بود حالا که ما دعاهای و نمازهای مستند داریم، چرا نمازها و دعاهایی را رجائاً بخوانیم؟ بهتر است برویم سراغ دعاها و نمازهایی که به سند و صحتش یقین داریم. ایشان به نماز گرانقدر «جعفر طیار» و نماز امیرالمؤمنین علیه السلام که پنجاه مرتبه سوره توحید دارد؛ به دلیل اعتبار سند سفارش می کردند. درخصوص نمازهای سایر ائمه علیهم السلام، از نظر ایشان خواندن دو رکعت نماز مانند نماز صبح و هدیه به معصوم علیه السلام بهتر است از آن که نمازهای طولانی را رجائاً بخوانید.

استاد گرانقدر سرکار خانم جواهری از قدیمی ترین شاگردان عالمه فقیده سرکار حاجیه خانم «زینب روحانی مویده» (لواسانی) رحمه الله علیها هستند. ایشان به شیوایی و ویژگی های علمی ایشان را که مناسب دوستان محقق و طلاب پژوهشگر است، بیان می کنند. در این جا خلاصه ای از این خاطرات ارزشمند از نظر شما مخاطبین گرامی می گذرد:

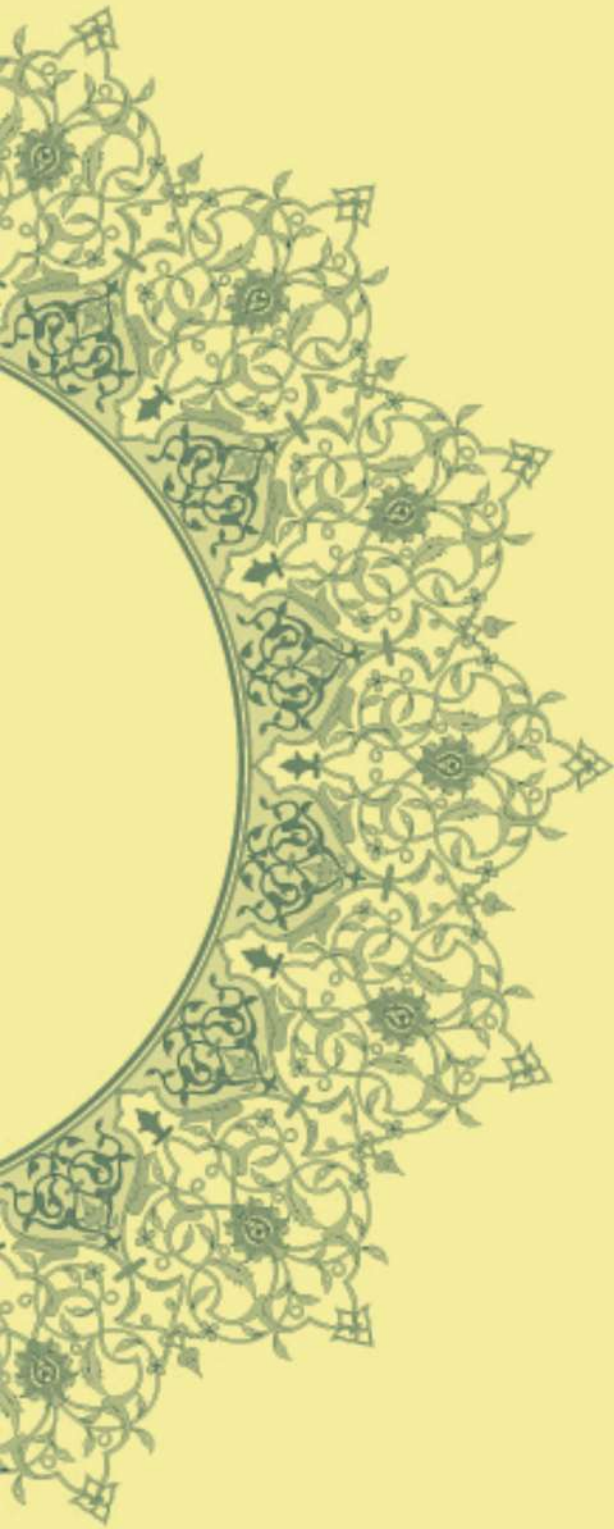
تاکید بر محوریت قرآن در پژوهش و تحقیق

استاد جواهری آن چه می تواند برای محققین و پژوهشگران بسیار مفید و مغتنم باشد را این گونه بیان می دارند: ایشان در تعلیم و تعلم توجه خاصی به قرآن داشتند. توصیه استاد این بود که طلاب با قرآن و تفاسیر مانوس باشند. به همین دلیل برای یادگیری قرآن، بر شرکت در طرح بشارت (یادگیری معانی لغت به لغت قرآن) تاکید داشتند. یادم می آید ابتدا که حوزه ها به صورت مصوب درآمدند، طلاب باید در سال آخر تحصیل خود پایان نامه می نوشتند. طلاب موضوعات مختلفی انتخاب می کردند. حاج خانم لواسانی ریزنی زیادی با مسئولین مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران انجام دادند؛ مبنی بر این که طلاب باید موضوعات قرآنی برای پایان نامه انتخاب کنند. بالاخره با زحمات ایشان از طرف شورای مدیریت قم مقرر گردید، موضوعات پایان نامه ها باید قرآنی باشد و این امر به حوزه ها ابلاغ شد.



هر بار که با خانم لواسانی به عتبات عالیات و اماکن مقدسه برای زیارت مشرف می شدیم، ایشان نماز جعفر طیار می خواندند و به نماز جعفر طیار آسان نیز سفارش می کردند، به این صورت که دو تا دو رکعت با هر سوره ای بخوانید و سیصد بار (سه دور تسبیح) « سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر » بخوانید و بعد هم دست به دعا بردارید. ایشان بر نماز استغاثه به امام زمان عجل الله هم (به دلیل اعتبار سند)، خیلی تاکید داشتند؛ چون زیارت نامه امام عجل الله بعد از این نماز می آید، که می فرماید: «سلام الله الكامل التام الشامل العام و صلواته الدائمه و...»، که چه دعای پرمعنایی است. یادم می آید زمان حکومت «صدام» برای زیارت به عتبات عالیات، به کشور عراق رفتیم، به مسجد «سهله» که وارد شدیم سردر ورودی مسجد، پرده ای بسیار بزرگ زده بودند که روی آن دستورنماز استغاثه به امام زمان عجل الله و زیارت نامه کامل که بعد از نماز هست را نوشته بودند. و این خاطره همیشه در ذهن من هست. ولی بعدها دیگر آن پرده را برداشته بودند. در مورد دعاهای ماه مبارک رمضان ایشان بر «دعای ابو حمزه ثمالی» تاکید داشتند و حتی می فرمودند در ایام دیگر، فراهایی از این دعا را در قنوت نمازتان بخوانید. همچنین ایشان «دعای افتتاح» که مأثوره است را در شب های ماه مبارک می خواندند.

«روحشان شاد و یادشان گرامی باد»



تبیین وحدت حوزه و دانشگاه از منظر رهبر انقلاب

زهرا ناطقیان (مدرس حوزه)

۲۷ آذر روز شهادت دکتر محمد مفتّح و روز وحدت حوزه و دانشگاه نام گذاری شده است. هر ساله در این روز رهبر انقلاب به تبیین ابعاد مختلف این وحدت می پردازند. ضرورت، مبانی، تعریف وحدت و همچنین شناخت ویژگی های شخصیتی شهید مفتّح و راهکارهای تحصیل آن از مساله هایی است که این حکیم فرزانه آن را تشریح کرده اند.

ضرورت وحدت

رهبر انقلاب وحدت حوزه و دانشگاه را یک ارزش اجتماعی، فراتر از آن یک ضرورت اجتماعی می دانند. برای تحوّل و حرکت های اجتماعی نیاز است که این دو، وحدت خویش را حفظ کنند و صرفاً سخنی بر فراز یک منبر یا جنبشی در یک دانشگاه نباشد. دشمن مشترک این دو همواره در صدد ایجاد افتراق و شکاف با شعار تفرقه بینداز و حکومت کن بوده است. رضاخان ابتدا سعی داشت حوزه را از بین ببرد و تعطیلی حوزه، توهین به روحانیت، گرفتن عمامه از سر به گونه ای که باید طلاب مخفیانه درس و بحث می داشتند؛ از نمونه اقدامات ضدحوزوی او بود. اما بعد که دیدند نمی شود و این نهاد ریشه در عمق باورهای مردم دارد، حوزه را گذاشتند باشد اما حوزه ای به دور از دانشگاه و تحولات و بدبین به علم و فن آوری. در نتیجه حوزه و روحانیت به جهل و خرافه پرستی و گاه دانشگاهیان به بی دینی و ضد دینی متهم شدند. رهبر فرزانه عوامل ایجاد کودتای ننگین ۲۸ مرداد را شکاف بین روحانیت و علمداران روشنفکری بیان می کنند. از نگاه ایشان وحدت با امر و فرمان و شعار حاصل نمی شود اما امری شدنی و ممکن است که قبل از انقلاب بطور بی سابقه ای رشد کرد.

شناخت شهید مفتّح به عنوان علمدار وحدت

رهبری یکی از افتخارات شهید مفتّح را این می دانند که آثارش از اسم و منیتش بیشتر و کم تظاهر بود اما پر حضور و پرتحرک. در هفته وحدت حوزه و دانشگاه کم تر از خود شهید نام برده می شود. ایشان شناخت کامل از اسلام داشت و معتقد بود اسلام باید از حالت فردیت خارج شود.



حوزه باید حصار دور خویش را بشکند. راه بدهد و راه بیابد، ابعاد جهانی بیابد، دنیا و جریان های مختلف را بشناسد. در دانشکده الهیات جریان هایی به عمد می خواستند عالم ضدالهی تربیت کنند که ایشان برای خنثی سازی این حرکت مبارزه کردند. در مقابل کسانی که توهین به مقدّسات می کردند ایستادگی نموده و پناه دانشجویانی بود که می خواستند با اسلام آشنا شوند.

معنای وحدت

وحدت به معنای ادغام حوزه و دانشگاه در یکدیگر نیست چرا که هر یک کارکرد جدا دارند. به معنای یکی کردن جهت گیری هر دو نیز نیست چون برای اسلامی و انقلابی شدن دانشگاه، انقلاب فرهنگی لازم بود که از بعد از انقلاب در حال انجام است. وحدت حوزه و دانشگاه معنایی عمیق تر دارد. ایشان در این مورد می فرمایند:

«وحدت حوزه و دانشگاه این است که ما این دو کانون علمی را از لحاظ اخلاق، سیستم حاکم بر آن ها و برخی محتواها به هم نزدیک کنیم. وحدت حوزه و دانشگاه، یعنی وحدت در هدف. هدف این است که همه به سمت ایجاد یک جامعه اسلامی پیشرفته، مستقل، جامعه امام، جامعه پیشاهنگ، جامعه الگو، ملتی که مردم دنیا با نگاه به او جرأت پیدا کنند، تا فکر تحول را در ذهن خودشان بگذرانند و در عملشان پیاده کنند حرکت نمایند».

مبانی وحدت

تفکر و اعتقاد توحیدی- ولایی همه جامعه را به هم متصل می کند. در جامعه توحیدی تفرقه وجود ندارد و همه اجزاء حیوانات و جمادات و آسمان و زمین به هم مرتبط هستند. ولایت هم به معنای ارتباط و اتصال محکم و غیر قابل انفکاک است که مرکز آن ولی خدا است. نسبت به اجزای بیرونی هم آن ها که همسو هستند جذب و آن ها که دشمنی دارند، دفع دارند و این معنای آیه شریف است:

«اشدء علی الکفار رحماء بینهم»^۱.

لذا جامعه اسلامی وحدت در حرکت، هدف و جهت گیری دارد. هر جا اختلاف دیده شد قطعاً یا شیطان بیرونی یا شیطان درونی (نفس اماره) آن جا حضور دارد.

حوزه باید حصار دور خویش را بشکند. راه بدهد و راه بیابد، ابعاد جهانی بیابد، دنیا و جریان های مختلف را بشناسد.



راهکارهای دستیابی به وحدت

در زمینه راهکارهای ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه، رهبر معظم انقلاب هم راهکارهای مشترک برای هر دو نهاد و هم راهکارهای اختصاصی هر کدام را می‌فرماید. ابتدا هر دو نهاد باید تنها فرهنگ اصیل جامعه را که برگرفته از تعالیم الهی است، حاکم بر خود کنند. توجه به غایت علم که در خدمت آرمان‌های بشری و رساندن بشر به خداوند است، داشته باشند. هر دو مبشر و مبلغ معنویت باشند که این رویکرد در رژیم گذشته نبوده است. ارتباط دائم و پیوسته با مردم و آگاهی از دردها، نیازها و خواسته‌های روزمره مردم، مساله دیگر است. اساتید دانشگاه و حوزه هر یک نهاد مقابل و نظام درسی آن را از نزدیک بشناسند و در آن جا تدریس داشته باشند. مقابله با طرح ایجاد ناهماهنگی بین حوزه و دانشگاه که از نقشه‌های دشمنان است نیز از وظایف مشترک حوزه و دانشگاه می‌باشد.

هریک از حوزه و دانشگاه امتیازات مثبت خویش را با دیگری تبادل کند. حوزه اگر معتقد به عینیت دین و سیاست است، باید نیازهای واقعی جامعه را بشناسد و از ذهنیات مجرد رها شود. دانشگاه هم باید آسیب‌های علم مانند: محور قرار دادن علم در همه امور، دلبستگی صرف به بعد مصرف‌گرایی، کارگزار قدرت‌های علمی جهانی شدن و بازار مصرف را برای تولید کنندگان خارجی گرم و داغ نگهداشتن را هرچه سریع‌تر ترمیم کند. سخت‌کوشی در آموختن که از ممیزات حوزه‌های علمیه است باید در دانشگاه و آینده‌نگری همراه با طرح و برنامه که از مشخصات دانشگاه است، در حوزه پیاده شود. نقاط مثبتی در علم آموزی در حوزه وجود دارد که دانشگاه باید به آن‌ها توجه کند مانند: درس خواندن بنا بر وظیفه شرعی و الهی، نگاه عبادی به علم آموزی، با وضو بودن هنگام تحصیل، به کارگیری علوم برای خدمت به اسلام و انقلاب و پرداختن به علوم مفید.

تخصص‌گرایی و طبقه‌بندی علوم از مختصات دانشگاه بوده و باید حوزه‌ها نیز استفاده کنند و نیاز نیست همه فقیه شوند. تشکیل گردهمایی‌ها و سمینارها و کمیته ویژه به منظور کشف و ارائه راه‌های عملی ایجاد وحدت، ضروری است و دانشکده‌الهیات می‌تواند حلقه ارتباط بین حوزه و دانشگاه شود.^۲

بنابراین براساس تعریف رهبرعزیز انقلاب، وحدت حوزه و دانشگاه به معنای وحدت در هدف یعنی حرکت جامعه به سوی خالق هستی و تشکیل یک جامعه مستقل پیشرفته است. چنین تعریفی براساس نگرش توحیدی-ولایی است که براساس آن، همه اجزای جامعه اسلامی حتی جمادات به هم متصل و دارای وحدت هستند و وحدت عملی با تبادل هر دو گروه و شناخت امتیازات مثبت و نهادینه کردن آن امتیاز و فضیلت در گروه خود حاصل می‌شود.

نقاط مثبتی در علم آموزی در حوزه وجود دارد که دانشگاه باید به آن‌ها توجه کند مانند: درس خواندن بنا بر وظیفه شرعی و الهی، نگاه عبادی به علم آموزی، با وضو بودن هنگام تحصیل، به کارگیری علوم برای خدمت به اسلام و انقلاب و پرداختن به علوم مفید. تخصص‌گرایی و طبقه‌بندی علوم از مختصات دانشگاه بوده و باید حوزه‌ها نیز استفاده کنند و نیاز نیست همه فقیه شوند.

پی نوشت:

۱. الفتح، ۲۹.

۲. بیانات رهبر انقلاب به مناسبت شهادت دکتر مفتّح در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۸ با تلخیص



زندگی نامه

شهید دکتر عبدالحمد دیالمه

مریم کاویانی (مدرس حوزه)

قسمت سوم

او همه چیز را جدی می گرفت و جدی می گفت حتی واژه های جاری بر زبان وی با .معنای اصیل خود اراده می شدند مانند : مسلمان، عالم، انقلابی، شیعه، آنان را به جد اختیار او همه چیز را جدی می گرفت و جدی می گفت حتی واژه های جاری بر زبان وی با .معنای اصیل خود اراده می شدند مانند : مسلمان، عالم، انقلابی، شیعه، آنان را به جد اختیار می کرد و از آن ها انتظار ویژه داشت، به گونه ای که به مخاطب انگیزه و هدف می داد و افق جدیدی به روی او گشوده و منجر به تحول در او می شد. نکته ی مهم آن که فقط افراد هم نشین با ایشان دریافته بودند که شهید بسیار بزرگ تر از این بود که در کلامش تجلی یابد او عملش بیشتر از کلامش بود. تجلی و بروز اندیشه های توحیدی شهید دیالمه در طول انقلاب اسلامی و در برهه های سرنوشت ساز و تاریخی هم زمان بود با اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی، پنج تن از علمای طراز اول مشهد، دکتر دیالمه را به عنوان کاندیدای خود به مردم معرفی کرده و او با هدف انجام تکلیف و با رای قاطع مردم مشهد وارد سنگر مجلس شد و به تهران آمد. آغاز دوران نمایندگی مجلس همزمان با ریاست جمهوری بنی صدر نقطه ی عطف دیگری در حیات شهید بود که ابعاد دیگری از شخصیت او را نمایان ساخت.

شهید دیالمه اولین کسی بود که قبل از ریاست جمهوری، افکار بنی صدر را مطالعه و نقادی کرد و نقاط ضعف بینش التقاطی او را یافته بود و افکار او را در کتابی مثل تعمیم امامت، مخالف ولایت فقیه می دانست. لذا با ریاست جمهوری او مخالفت کرد و اعلام کرد «ریاست جمهوری بنی صدر برای اسلام و جامعه اسلامی ایران یک

همان طور که در شماره های قبلی نشریه اشاره شد، شهید دکتر عبدالحمید دیالمه در بحبوحه ی اوج گیری انقلاب، تشکیلات فکری و مبارزاتی را به نام «مجمع احیای تفکرات شیعی» راه اندازی کرد و به دنبال این حرکت، جوانان تشنه و متعهد، حول این محور استوار جمع شده و به استقبالش شتافتند. شهید بر این باور بود که برای امتداد انقلاب باید در جهت تعمیق اعتقادات مردم به صورت جدی کار کرد و خود برای تحقق این ضرورت، وارد میدان شد. برگزاری کلاس های مجمع، فرصت نشر اندیشه های شهید و پرداختن به دغدغه های او را فراهم کرد. اگر در واژه های پرتکرار شهید در سخنرانی هایش دقت کنیم آرمان های او را از لابه لای آن ها درمی یابیم، که بنا بر فرموده ی رسول خدا صلی الله علیه و آله: «من أَحَبَّ شَيْئًا أَكْثَرَ ذِكْرُهُ» هرکس چیزی را دوست بدارد زیاد آن را یاد می کند.

قاموس فکری شهید در کلمات زیر متجلی می شود: مذهب - انسان - زمان - صراط مستقیم - وجود معصوم - اندیشه ی اسلام شیعی - احیا - روحانیت و مرجعیت - اهلبیت - ثقلین - غدیر - عاشورا - انتظار - فاطمه سلام الله علیها - امام سجاد علیه السلام.

شهید دیالمه در سخنرانی هایش بر «اسلام شیعی» پای می فشرد و فضای حاکم بر کلام او فضایی شیعی بود و رنگ و بوی علوی در آن شدت و غلظت داشت. چنان با حرارت از قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام سخن می گفت، گویی که سرنوشت آن را فقط به او سپرده اند و او به تنهایی باید رسالت الهی را ابلاغ کند.

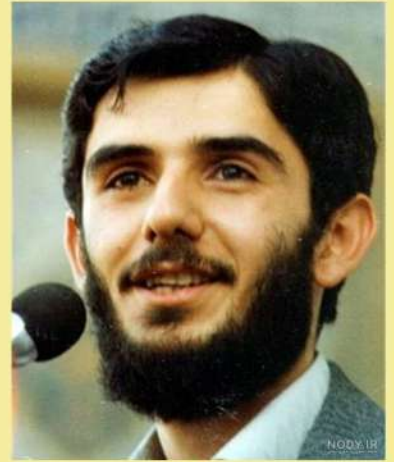
فاجعه است» و برای آن که این مخالفت در شعار و اندیشه خلاصه نشود با جمعی از دوستان مجمع به عنوان اعتراض در محل روزنامه‌ی انقلاب اسلامی تحصن کردند. همچنین شهید دیالمه که جریان‌ات انحرافی منافقین را در سال ۱۳۵۴ با انتشار اعلامیه‌هایی در سراسر دانشگاه مشهد به عموم مبارزین هشدار داده بود، پس از پیروزی انقلاب جریان منافقین را کالبد شکافی کرده و در ده‌ها سخنرانی به نام «تبیین جهان» به نقد و بررسی کتاب ایدئولوژیک سازمان منافقین پرداخته و ریشه‌های انحراف را بر اساس مبانی دین آشکار ساخت و به جرأت اعلام کرد که: «ایدئولوژی سازمان چیزی جز افکار مارکسیستی مزین شده به آیات قرآن نیست!!!»

هر چند که عده‌ای در آن زمان این حرکت‌ها را تند و شتاب‌زده می‌خواندند...

نکته‌ی قابل توجه این بود که مبارزات او با گروه‌های فرقان، منافقین، فداییان خلق، حزب توده، حزب خلق مسلمان و سایر گروه‌های انحرافی آن روز حتی مخالفتش با بنی صدر، ریشه‌ی اعتقادی داشت.

او جریان‌های اجتماعی و انحرافات فکری را می‌شناخت لذا تنها کسی بود که مبارزاتش با گروه‌های سیاسی منحرف و مخالف با انقلاب، ایدئولوژیک و بر اساس مبانی فکری بود و نه بر اساس عملکردهای سیاسی، و درست به همین خاطر، آنچه را همگان سال‌ها بعد، وقتی تصویرش بزرگ می‌شد و نزدیک می‌آمد درک می‌کردند، چشمان تیز بین او سال‌ها جلوتر می‌دید و از آن سخن می‌گفت. شهید در این باره می‌گفت:

«جرم من آن است که حرف‌هایم را زودتر از زمان می‌زنم».



جرم من آن است که حرف‌هایم را زودتر از زمان می‌زنم

پی نوشت:
محمدباقر مجلسی،
بحارالنوار، ج ۱۳، ص ۲۴.



راهبرد اقتصادی پیامبر اسلام در جنگ (بدر، احد و خندق)

قسمت اول

از منظر آیات و روایات

اشرف صفری (مدرس حوزه)

اشاره

این مقاله با نام راهبرد پیامبر در جنگ (بدر، احد و خندق) در آیات و روایات است که در آن راهبرد عملیاتی، روانی، اقتصادی و اطلاعاتی بررسی شده است. به دلیل طولانی بودن مطالب، هر کدام از راهبردها بصورت جداگانه در یک شماره از نشریه خدمت شما عزیزان تقدیم می‌گردد.

چکیده

در طول ده سال بعد از هجرت مسلمانان، پیامبر اکرم در مدینه تشکیل حکومت دادند و لشکر نظامی آراستند، و در مواقع لزوم به جنگ با دشمنان و صف‌آرایی در مقابل آنان پرداختند. در بسیاری از این غزوات، قوانین جنگ، حملات ایذایی یا غافلگیرانه و جنگ روانی از طرف سپاه اسلام و یا مشرکین وجود داشته که پیامبر عظیم الشان اسلام بعضی از آن‌ها را تأیید و برخی دیگر را طرد فرموده، قوانین جدیدی بر اساس دین اسلام تأسیس نمودند. بسیاری از این قوانین در میان وقایع تاریخی عبرت‌آموز این جنگ‌ها مورد غفلت واقع شده که لازم به رویکردی دوباره و دقت نظر علمی است. این مقاله به بررسی سه غزوه بدر، احد و خندق که از بزرگترین غزواتی بوده که در آن پیروزی، شکست و جنگ فرسایشی تجربه گردیده، پرداخته است و روش پیشبرد مبارزات و بیرون آمدن از بن‌بست‌ها در جنگ (راهبرد) را مورد واکاوی قرار داده است. از این رو ابتدا اشاره به قوانین جنگی در عصر جاهلیت دارد سپس سه غزوه بدر، احد و خندق را بطور مختصر بیان می‌کند. در قسمت بعد به اولین راهبرد یعنی جنگ روانی و پیامدهای آن، که شامل شایعه، حفظ روحیه رزمندگان، تشویق شجاعت و تقییح فرار از جنگ است؛ پرداخته و سپس راهبردهای اطلاعاتی که شامل حفظ اسرار، شیوه گرفتن اطلاعات از دشمن و شیوه مخفی نگاه داشتن اطلاعات می‌باشد را بررسی کرده است. شریان اقتصادی و واقع‌نگری در تحلیل نتایج جنگ نیز هر کدام به طور مجزا به عنوان راهبرد در جنگ مورد توجه قرار گرفته است. روش جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب تاریخی مذهبی بوده است. پردازش اطلاعات به صورت توصیفی بوده و در مواردی نیز به تحلیل مطالب پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: پیامبر اکرم، جنگ، راهبرد، احد، بدر، خندق، غزوه، سریه.

بیت

الحمد لله

خداوند



کلیاتی از تاریخ جاهلیت و غزوات پیامبر (بدر، احد و خندق) در این قسمت اقتضای زمانی و مکانی صدر اسلام و جاهلیت عرب در جنگ‌ها، به طور اجمال بیان می‌گردد.

کارزار قبایل عرب در عصر جاهلیت

جاهلیت به دوره و فرهنگ عرب پیش از اسلام که شرک و تاریک اندیشی بر آن غلبه داشت اطلاق می‌گردد اما چنین نیست که جاهلیت، سراسر کفر و شرک و خرافات بوده باشد بلکه گاه رسم‌های نیک و اخلاق حسنه و اندیشه توحیدی نیز در بطن فرهنگ شرک آلود عرب جای داشت.^۱

زندگی عرب‌های شهرنشین و اعراب بادیه نشین عصر جاهلی، زندگی بدوی، شبانی، قبیله‌ای و بسته بود و به گفته حضرت علی علیه السلام حتی یک نفر که سواد خواندن و نوشتن داشته باشد در میان آنها پیدا نمی‌شد.^۲

در روابط اجتماعی نیز غارت، جنگ و جدل قبیله‌ای جزو نهادهای اجتماعی شده بود این جنگ‌های قبیله‌ای گاه تا چهل سال طول می‌کشید. در مورد دیه و قصاص نیز حد و مرزی نمی‌شناختند.^۳ فقط به کشتن قاتل اکتفا نمی‌کردند بلکه متعرض کسان و قبیله او هم می‌شدند و غالباً هر خون خواهی و قصاص به جنگ طایفه‌ای دامنگیری تبدیل می‌شد به نحوی که احکام قرآنی و اسلامی که فقط کشتن یک تن را در برابر یک تن، آن هم با شرایطی روا می‌شمرد یک آئین اصلاحی و انقلابی عظیم بود.^۴

غزوه بدر

غزوه بدر معروف به بدرالقتال، یا بدرالکبری یکی از مهم‌ترین غزوات پیامبر اسلام است. این غزوه در ۱۷، ۱۹ یا ۲۰ ماه رمضان در سال دوم هجری بین مسلمانان، متشکل از مهاجران و انصار با مشرکان قریش به سرکردگی ابوسفیان، رئیس خاندان بنی امیه درگرفت.^۵ یاران پیامبر در این جنگ سیصد و سیزده تن بودند که هشتاد و شش تن از آن‌ها، مهاجران و بقیه از انصار بودند.^۶ کاروان بازرگانی قریش به سرپرستی ابوسفیان دشمن دیرینه‌ی اسلام، از شام عازم بازگشت به مکه بود و چون مسیر کاروان از نزدیکی‌های مدینه رد می‌شد پیامبر اسلام به منظور ضبط کاروان دستور حرکت سمت منطقه بدر (که مسیر طبیعی کاروان بود) را دادند.^۷

ابوسفیان ضمیم بن عمرو غفاری را به مکه نزد قریش فرستاد که اعلام خطر کند پس آماده کارزار گشتند و با شتاب به راه افتادند. ابوسفیان راه را رها کرد و کاروان را رهایی داد و از آن سو قریش که شمار آن‌ها به هزار مرد و به قولی نهصد و پنجاه مرد می‌رسید آماده نبرد با رسول خدا شدند و روزانه ده الی نه شتر برای طعام خود می‌گشتند.^۸

جاهلیت به دوره و فرهنگ عرب پیش از اسلام که شرک و تاریک اندیشی بر آن غلبه داشت اطلاق می‌گردد



در این جنگ حضرت رسول اکرم شخصاً فرماندهی جنگ را به عهده گرفت و بر قریش پیروز شدند و مسلمانان با اسیران و غنائم فراوان به مدینه بازگشتند.^۹ قریش با دادن هفتاد کشته و هفتاد اسیر و تعداد قابل ملاحظه‌ای مجروح، بدر را ترک کرد مجموع شهدای مسلمین یازده نفر بودند.^{۱۰}

غزوه‌ی احد

این غزوه در روز شنبه هفت روز گذشته از ماه شوال، آغاز سی و دومین ماه هجرت اتفاق افتاد پیامبر اکرم، ام مکتوم را در مدینه جانشین فرمود.^{۱۱}

جنگ احد پی‌آمد واقعه بدر است که قریش به منظور انتقام گرفتن از مسلمانان با ساز و برگ کامل نظامی به سمت مدینه یورش بردند. سپاه اسلام در کوهپایه احد در برابر دشمن ایستادند و در اولین برخورد شکست مفتضحانه‌ای بر دشمن وارد آوردند. در این هنگام گروهی از رزمندگان مال دوست جنگ را خاتمه یافته تلقی کردند و سنگر خود را که پیامبر سفارش زیادی در نگهداری از آن کرده بودند، رها کردند و به سوی جمع آوری غنیمت‌های جنگی سرازیر شدند. دشمن با استفاده از فرصت به دست آمده شکست سنگینی بر سپاه اسلام وارد ساخت.^{۱۲}

در این جنگ بیش از از هفتاد نفر از بزرگان مسلمین کشته شدند و شصت آیه از سوره آل عمران درباره روز احد نازل گشته است.^{۱۳} تنها کسی که در این معرکه پایدار بود حضرت علی علیه السلام بود. آن قدر حضرت علی شمشیر زدند که شمشیرشان چندین بار شکست و آن را عوض نمودند. شرح مفصل این جنگ در کتب تاریخ آمده است.^{۱۴}

غزوه‌ی احزاب یا خندق

عده‌ای از یهودیان به ملاقات سران قریش رفته و آنان را به جنگ با پیغمبر دعوت کردند. چون آمادگی آنان مسلم شد به قبیله غطفان و قیس عیلان رفته آنان را هم به جنگ با پیغمبر دعوت کردند و متعهد شدند به آنان کمک و مساعدت نمایند. پس از انعقاد قرارداد یهود با قریش و سایر قبائل، برای جنگ با رسول خدا حرکت کردند. از طرفی در جبهه مسلمانان به پیشنهاد سلمان خندقی دور شهر حفر کردند و خود پیامبر نیز با یاران خود همکاری می کردند.^{۱۵}

احزاب جمع حزب است و مراد از آن در عرف قرآن کریم گروه مشرکان با همدستان خود، مخصوصاً کفار مکه است که در این جنگ با یهودیان مدینه در مقابل مسلمانان همدست شدند.^{۱۶}

**جنگ احد پی‌آمد
واقعه بدر است که
قریش به منظور
انتقام گرفتن از
مسلمانان با ساز و
برگ کامل نظامی
به سمت مدینه
یورش بردند**

در شب جنگ خندق (احزاب) در حالی که ابوسفیان در یک طرف و بنی قریظه در طرف دیگر به صف آرایی مشغول بودند، خوف و ترس عجیبی سپاه اسلام را گرفته و باد سختی به طرف آن ها می وزید و در تاریکی زیاد فرو رفته بودند از طرفی منافقین هم به بهانه های گوناگون از زیر بار جنگ شانه خالی می کردند و نزد رسول خدا می آمدند و می گفتند: یا رسول الله به ما اجازه بدهید که برویم، زیرا خانه های ما دارای حفاظ و در دیوار نیست البته دروغ می گفتند و منظور آنها بهانه های بیش نبود. ^{۱۷} آیات ۹ تا ۱۵ سوره احزاب درباره همین موضوع سخن می گوید.

محاصره مدینه توسط لشکر انبوه دشمن حدود یک ماه به طول انجامید روحیه مسلمانان به شدت ضعیف شده بود و به ویژه آن که خبر پیمان شکنی قبیله یهودی «بنی قریظه» نیز فاش شد. ^{۱۸}

سرانجام دشمن با دادن تلفات و از دست دادن افرادی حساس از نیروهای خود از قبیل عمر بن عبدود (به دست حضرت علی علیه السلام) از مدینه و محاصره آن صرف نظر کردند و بازگشتند. ^{۱۹} (که شرح آن در مطالب آتی خواهد آمد). در جنگ خندق از مسلمانان شش نفر و از مشرکان هشت نفر کشته شدند. ^{۲۰}

راهبرد اقتصادی

بدیهی است قدرت اقتصادی از زمینه های ایجاد قدرت نظامی و علل به وجود آورنده آن است و اگر به اقتصاد ضربه وارد شود قدرت نظامی به تبع آن ضعیف خواهد شد.

تامین منابع مالی

اهمیت تامین مالی نیروهای عمل کننده به حدی است که می توان آن را بطور مجزا از نکات راهبردهای جنگ دانست. چه بسا از تأثیرگذارترین عوامل در سرنوشت جنگ همین اقتصاد و تامین منابع مالی است. در همه زمان ها تهیه ادوات جنگی و تامین نیروهای انسانی مشارکت کننده در جنگ، هزینه های زیادی بر دوش مردم می گذارد. این هزینه ها با بالا رفتن تکنولوژی و پیشرفت ادوات جنگی بسیار بالا رفته به طوری که سرنوشت جنگ را در بسیاری از موارد تعیین می کند. در سال های دفاع مقدس با توجه به تحریم های ظالمانه، ملت انقلابی با بذل مال خود از جوانان رزمنده پشتیبانی می کردند و حماسه های زیادی در دل تاریخ به یادگار گذاشتند. در زمان کنونی استکبار جهانی سعی در انحصاری کردن سلاح ها و ادوات نظامی دارد و این را به پشتوانه توان مالی محقق می کند. ولی ملت های مستضعف با تلاش بی وقفه و با جان فشانی مقابل انحصار طلبی ها و زورگویی ها ایستاده اند. اکنون در جنگی که از طرف کشور سعودی و بعضی از هم پیمان هایشان به مردم یمن تحمیل شد نمونه کامل این انحصار طلبی را می بینیم. در این جنگ یمنی ها علاوه بر ممنوعیت برخورداری از ادوات پیشرفته نظامی و حتی سلاح ساده و سبک جنگی، در محاصره مواد غذایی و دارویی نیز قرار دارند. در واقع هم در جبهه نظامی و هم در جبهه اقتصادی، هم زمان در حال مبارزه هستند.

از تأثیرگذارترین عوامل در سرنوشت جنگ، اقتصاد و تامین منابع مالی است. در همه زمان ها تهیه ادوات جنگی و تامین نیروهای انسانی مشارکت کننده در جنگ، هزینه های زیادی بر دوش مردم می گذارد.

تهدید منابع مالی دشمن

همان طور که قبلاً بیان شد حضرت رسول اکرم در جنگ بدر به کاروان بازرگانی به سرپرستی ابوسفیان حمله کردند. هدف پیامبر از این حرکت آن بود که قریش بدانند که خط بازرگانی آن‌ها در دسترس نیروهای اسلام قرار دارد و اگر آن‌ها از نشر و تبلیغ اسلام و آزادی مسلمانان جلوگیری کنند شریان حیات اقتصادی آنان به وسیله‌ی نیروهای اسلام قطع خواهد شد.^{۲۱}

این عامل هم اکنون نیز از عوامل بزرگ پیروزی یا عدم آن در جنگ‌هاست. مسدود کردن اموال و دارایی‌ها و تحریم اقتصادی از اهرم‌های فشار است که در این راستا توسط دشمن استفاده می‌شود. در کشورهای مستعمره توسط استکبار نیز سود اقتصادی از عوامل تعیین کننده در طمع بیشتر آن‌ها بوده و در ردیف اول اهمیت است. در طریقه مبارزه با استعمار نیز اقتصاد نقش بسزایی دارد مثل تحریم لباس‌های انگلیسی توسط رهبر فقید هندوستان «گاندی» و تحریم کالاهای وارداتی غرب در نظام جمهوری اسلامی، همچنین (در صورت وحدت کشورهای اسلامی) تحریم صدور نفت به کشورهای غربی و استعماری می‌تواند ضربه بزرگی بر پیکر دشمن وارد سازد. اخیراً رویکرد اقتصادی جنگ‌ها آشکارتر شده تا حدی که نام جنگ نیز بیان‌گر وجه اقتصادی جنگ است مثل جنگ نفت.

پی‌نوشت:

- (۱) بهاء‌الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآنی قرآن پژوهی، ج ۱، چ ۳، تهران، انتشارات ناهید و دوستان، ۱۳۸۹، ص ۸۳۱.
- (۲) نهج البلاغه، خطبه ۳۳.
- (۳) ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۷۴ ش، ص ۶۱۳.
- (۴) بهاء‌الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآنی، ج ۱، ص ۸۳۱.
- (۵) همان، ص ۱۵۲۱.
- (۶) پژوهشکده تحقیقات اسلامی (جمعی از نویسندگان)، اسوه‌های مدیریت و فرماندهی، قم، زیست نامه فرماندهان صدر اسلام، ۱۳۸۹، ص ۲۳۰.
- (۷) مهدی پیشوایی، سیره‌ی پیشوایان، ص ۴۳.
- (۸) احمدبن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، ج ۱، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲، ص ۴۰۴.

(۹) ویل دورانت، تاریخ تمدن، عصر ایمان بخش اول، ص ۲۱۵.

(۱۰) علی محمد بشارتی، تاریخ تحلیلی اسلام و ایران، ج ۱، چ ۲، انتشارات سوره مهر، ۱۳۷۹، ص ۲۸.

(۱۱) مغازی واقدی، مغازی (تاریخ جنگ‌های پیامبر) ترجمه مهدی دامغانی، ج ۱، چ ۲، بی جا، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹، ص ۱۴۵.

(۱۲) پژوهشکده تحقیقات اسلامی (جمعی از نویسندگان)، همان.

(۱۳) محمدابراهیم آیتی، تاریخ پیامبر اسلام، دارالفکر، ۱۳۸۶، ص ۲۷۷ به نقل از تاریخ الفبایی.

(۱۴) ابوجعفر محمدبن جریر الطبری، تاریخ طبری، بی جا، انتشارات بیت الافکار الدولیه، بی تا، ص ۳۷۵.

(۱۵) محمدبن محمد نعمان (مفید)، الارشاد، مترجم محمدباقر ساعدی، ج ۱، تهران، نشر اسلامیه، بی تا، ص ۸۷.

(۱۶) بهاء‌الدین خرمشاهی، دانشنامه قرآنی قرآن پژوهی، ص ۱۵۲۰.

(۱۷) محمدباقر محقق، نمونه بینات در شأن نزول آیات، تهران، ج ۱، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ ش، ص ۶۳۵.

(۱۸) مهدی پیشوایی، سیره‌ی پیشوایان، ص ۵۱.

(۱۹) کامل ابن اثیر، ج ۲، صص ۱۸۴-۱۸۰؛ مغازی، ج ۲، صص ۴۶۷-۴۵۱-۵؛ سیره ابن هشام، ج ۳، صص ۲۳۵-۲۳۲، به نقل از درس‌هایی از نظام دفاعی اسلام، ص ۱۹.

(۲۰) تاریخ یعقوبی، همان، ص ۴۱۱.

(۲۱) همان، ص ۴۳.

الگوی مدیریت جهادی انصار

طلبة فارغ التحصیل

(باتکیه برآیه ۹ سوره مبارکه حشر)

جهاد از جمله واژگانی است که در قرآن مکرر به آن پرداخته شده است و در سال‌های اخیر عبارت مدیریت جهادی توسط رهبر انقلاب اسلامی به جامعه مسلمین بسیار گوشزد گردیده است. دلیل آن را می‌توان این‌طور بیان کرد که هر عمل جهادی نیازمند مدیریت صحیح و به هنگام می‌باشد. چه بسیار مجاهدت‌هایی که در طول تاریخ اسلام انجام گرفت ولی به خاطر نداشتن تدبیر و سازماندهی مناسب با شکست مواجه شدند و ارزش آن کار جهادی پدیدار نگشت.

از آن جا که اسلام دینی است برای تمام قومیت‌ها و نژادها، لذا اگر اموری مانند مدیریت جهادی که دامنه گسترده‌ای در حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و غیره دارد، هدفمند طرح‌ریزی و پیگیری شود، می‌تواند مرزهای جغرافیایی را از میان بردارد که در این شرایط نه تنها مستضعف و مظلومی بدون پناه و حمایت نخواهد ماند، بلکه از این طریق و شعار اسلام ناب که وحدت و برادری در زیر سایه‌ی پرچم توحیدی است به گوش همگان می‌رسد. لذا بر مسلمانان واجب است که باتوجه به آموزه‌های قرآنی بتوانند این گام بزرگ و ارزشمند را در جهت پیشرفت جامعه‌ی انسانی بردارند و به آن جامه عمل بپوشانند و از آن در جهت حرکت‌های جهادی در عصر حاضر استفاده نمایند.

آیه‌ی ۹ سوره مبارکه حشر به شرایط تحریم مسلمین از طرف مشرکین و چگونگی درایت و مدیریت از پیش برنامه‌ریزی شده پیامبر و اقدامات انصار در جهت مدیریت جهادی باتوجه به آموزه‌های دینی می‌پردازد. این که در این راه چه ملاک‌ها و ارزش‌هایی را در الویت قرار دادند و با بینشی عمیق به رویدادهای پیش‌رو توانستند بر فشارهای دشمن فائق آیند. این تدابیر مقدمه‌ای برای برداشتن گام‌های بزرگ‌تر و در رأس آن فتح مکه و پیروزی حق علیه باطل با وجود تعداد کم مسلمین بود.

اگر اموری مانند مدیریت جهادی که دامنه گسترده‌ای در حوزه فرهنگ، سیاست، اقتصاد و غیره دارد، هدفمند طرح‌ریزی و پیگیری شود، می‌تواند مرزهای جغرافیایی را از میان بردارد.

مدیریت از منظر اسلام آن است که انسان بتواند تمامی توان مادی و معنوی در جهت رسیدن به کمال الهی را در مسیر درست سازماندهی کرده و مطابق با آموزه‌های اصلی دینی و شرعی بسیج کند. باید گفت مسئولیت سنگینی است بر عهده مدیر که باید با اعمال حساسیت خاص نسبت به آن چه در اختیار او قرار داده شده بتواند به درستی از قدرت اختیار خود در تصمیم‌گیری‌ها استفاده کند و حق را برقرار سازد.

جهاد

رهبر انقلاب در این خصوص می‌فرماید: «معیار جهاد شمشیر و میدان جنگ نیست، معیار جهاد امروز در کلمه مبارزه است. در انسان مبارز دو چیز لازم است: یکی جد و جهد و این که تحرکی باشد، دوم آن که در مقابلش دشمن باشد، در جایی که دشمن نیست فایده ندارد.»

از آن چه بیان شد دریافت می‌شود که جهاد در اسلام به دو صورت درونی و بیرونی تعریف می‌شود یعنی از یک سو انسان با بذل جان و مال و از سوی دیگر با جهد و تلاش و سختی کشیدن نفس در راه اعتلای کمال انسانی و زنده نگه داشتن ارزش‌ها و باورهای اصیل اسلامی در معرض آزمون‌های الهی قرار می‌گیرد و آن کس موفق است که بتواند باتوجه به آموزه‌های دینی این دشمن داخلی و خارجی را نابود کند.

آیه ۷۸ سوره‌ی حج «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...»؛ و در راه خدا جهاد کنید و حق جهادش را ادا نمائید او شمارا برگزید و در دین کار سنگین و شاقی بر شما نگذارد... .

آیت الله مکارم در تفسیر آیه می‌فرماید: جهاد در این جا فقط مبارزه مسلحانه نیست، بلکه هرگونه جهاد و کوشش در راه خدا برای مبارزه با هوس‌های سرکش (جهاد اکبر) و پیکار با دشمنان ظالم و ستمگر (جهاد اصغر) می‌باشد.

از آن چه گفته شد می‌توان نتیجه گرفت، جهاد نفس و مبارزه با وسوسه درونی به عنوان جهاد اکبر و مبارزه با شمشیر و گذشتن از جان در گروه جهاد اصغر قرار می‌گیرد.

مدیریت جهادی

مدیریت جهادی عبارت است از اقدامات مؤثر و به هنگام و سازماندهی شده در جهت رفع دشمن درونی و بیرونی در تمام عرصه‌ها با محوریت الله و ارزش‌های والای اسلامی بدون در نظر گرفتن منافع فردی یا گروهی به منظور تشکیل و ایجاد تمدن اسلامی.

مدیریت از منظر اسلام
آن است که انسان
بتواند تمامی توان
مادی و معنوی در جهت
رسیدن به کمال الهی
را در مسیر درست
سازماندهی کرده و
مطابق با آموزه‌های
اصلی دینی و شرعی
بسیج کند.

ضرورت مدیریت جهادی پیامبر از مکه تا مدینه

از آن جا که مسلمانان در دوران تبلیغ پیامبر اکرم تحت فشار شدید از طرف مشرکین بودند و از طرفی تعداد آن‌ها بسیار اندک بود لذا مدیر این حرکت عظیم باید تدابیر هوشمندانه‌ای با کم‌ترین خطر را اتخاذ می‌نمودند؛ لذا توجه به چند اصل مورد اهمیت بود:

(۱) حفظ توحید و یکتاپرستی اسلام نوپا و استحکام پایه های اصول نظام دینی و نشر و تبلیغ آن.

(۲) تقویت ایمان و توکل به خداوند در میان مسلمان مکه (مهاجرین).

(۳) حفظ جان و ناموس تعداد اندک تازه مسلمان.

این اصول خود دلایلی بر لزوم داشتن برنامه‌ای صحیح در مکه بود و اما پس از هجرت ایشان به مدینه آن چه که باید قدرت می‌گرفت، تقویت نظام اسلامی تازه تأسیس بود. از جمله اقدامات ایشان ایجاد وحدت و همبستگی ایمانی بین آن‌ها و پیمان برادری میان مهاجر و انصار بود. از دیگر دلایل لزوم مدیریت جهادی، مسأله ایجاد اقتدار نظامی بود. با در نظر گرفتن این تدابیر بود که پیامبر همراه یاران خود توانستند از مدینه مقدمه فتح مکه را فراهم نمایند.

شاخصه‌های مدیریت جهادی انصار

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِثُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنًا نَفْسَهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و برای کسانی که در «دارالهجرت» (سرزمین مدینه) و در خانه ایمان، قبل از مهاجران، مسکن گزیدند، آن‌ها کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می‌دارند و در دل خود نیازی به آن چه به مهاجران داده شده احساس نمی‌کنند، و آن‌ها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند شدیداً فقیر باشند، کسانی که خداوند آن‌ها را از بخل و حرص نفس خویش بازداشته رستگارند.

الف) اطاعت مطلق

در ابتدای آیه بیان می‌دارد «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ» این جا منظور مهاجرین فقیر که مصداق ابن سبیل هستند مدنظر است. انصار به پیامبر اکرم گفتند: «رسول الله نخل‌های ما را با مهاجرین تقسیم کنید.» ایشان فرمودند نخل مهم‌ترین منبع درآمد شماست لکن شما وسایل زندگی‌شان را فراهم کنید و در خرما شریکشان نمایید. گفتند: اطاعت می‌کنیم.»

از اینجاست که می‌توان به اطاعت بی‌قید و شرط انصار نسبت به پیامبر اکرم پی برد. البته لازم به ذکر است در میان انصار تنها سه نفر (ابودجانیه سماک بن خرشه، سهل بن حنیف و حارث بن صمه) از فیء سهم بردند.

ب) ایمان

در آیه، «الدَّارَ» عطف بر ایمان است و «تبوی ایمان» یعنی رفع نواقص ایمانی از حیث عمل.

این که عمل صالح مقید به ایمان است به خاطر این مسئله می‌باشد که اگر انگیزه‌ی ایمانی در میان نباشد، غالباً عمل آلوده می‌شود و اگر آلوده نشود، بسیار استثنائی است. اگر ریشه‌های درخت عمل صالح از آب توحید و ایمان به الله سیراب گردد، کمتر ممکن است آفاتی همچون عجب و ریا در آن راه یابد. باتوجه به آنچه بیان شد انصار هم ایمان، هم مکان، هم زمین و هم زمینه را برای استقبال از مهاجرین فراهم کرده بودند.

ج) تهذیب نفس

در ادامه‌ی آیه می‌فرماید: «تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ» یعنی انصار از قبل خود را برای آمدن مهاجرین آماده کرده بودند، و با توجه به شاخصه‌ی قبلی که توضیح آن داده شد فقط مسأله تهذیب و خودسازی در نفس وقتی صورت می‌گیرد که شخص حاضر شود برای اعتلا و دفاع از ارزش‌های والای معنوی خود از داشته‌های مادی که با سختی به دست آورده نیز بگذرد، آنجاست که زینت فضائل انسانی و معنوی در او متبلور می‌گردد، و می‌تواند به نتایجی سازنده چه برای خود و چه برای دیگران برسد.

د) بصیرت در تشخیص حق از باطل

آن جا که تعداد زیاد لشکر دشمن در مقابل تعداد اندک مسلمین می توانست ترس بر اندامها بیندازد و انصار را از پذیرش مهاجرین باز دارد، صراط مستقیم که مسیر حق است را پیدا کردند و به درستی سعادت دنیا و آخرت آنها در همین نگاه ژرف و عمیق ایشان به اصل حقیقت بود.

ه) محبت داشتن

در این خصوص آیه می فرماید: «يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ» انصار بطور کاملاً اختیاری محبت خود را با مهاجرین به اشتراک گذاشتند. آنها دریافته اند مهاجرین با توجه به سختی ها و فشارهای وارده از طرف مشرکین شهر مکه نیازمند توجه هستند نه ترحم، لذا در این حرکت جهادی مهاجرین را بر خود مقدم دانسته و در خانه های دل و شهر خویش جای دادند. باید اعتراف نمود این گونه پناه دادن در شرایطی بود که مدت زمان اقامت مهاجرین نامعلوم است.

البته درس بزرگی برای تاریخ انسانیت به جای گذاردند که اگر مدیریت درست باشد در یک حرکت خالصانه می تواند در چنین شرایطی رابطه اخوت جدای از تفکرات مذهبی، قومی، اعتقادی برجای گذارد و اگر این حرکت همراه با ایمان و عمل به سنت اهل بیت علیهم السلام صورت گیرد. نتایج سازنده تری خواهد داشت. از جمله انگیزه ای ایستادگی در برابر استکبار را در مسلمین بیشتر تقویت خواهد کرد.

و) استغناء

با توجه به اینکه خداوند می فرماید: «وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا» باید گفت بنا به نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ضمایر در "لَا يَجِدُونَ" و در "صُدُورِهِمْ" به انصار برمی گردد. و "أُوتُوا" به مهاجرین، آنها بی نیاز بودند چه در ظاهر و چه در دل های خود از آن چه که با مهاجرین به اشتراک گذاشتند. ارزش کار انصار در جایی بود که در بین آنها افرادی بودند که خود فقیر و نیازمند بودند ولی روحیه بی نیازی را در خود پرورش دادند.

رسول اکرم می فرمایند: «لَيْسَ الْغِنَى عَنْ كَثْرَةِ الْعَرَضِ وَلَكِنَّ الْغِنَى غِنَى النَّفْسِ»^۳؛ بی نیازی به فراوانی ثروت نیست، بی نیازی تنها در روحیه بی نیازی است.

در اصل اگر انسان خود را به گونه ای تهذیب کند که از چیزی در هر شرایطی بی نیاز باشد، او آزاد است. انصار در شیوهی مدیریت جهادی خویش قناعت را در کنترل نفس خود درآورده بودند تا بتوانند هم شرایط سخت مهاجرین را درک کنند و هم برای شرایط و مشکلات اقتصادی احتمالی در آینده، خود را آماده تر کنند و با امید به نتیجهی آیهی شریفه سوره نحل:

«... فَلَنْحَيِّيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً...»^۴ که امیرالمؤمنین حیات طیبه را "قناعت" معنا کرده اند و این حیات در نظر علامه حیاتی است حقیقی و جدید که مرتبه ای بالا و والا از حیات عمومی دارد، و دارای آثار مهمی است برای کسانی که این مسیر جهادی را ادامه دهند.

ز) ایثار

در ادامه آیه به ایثار انصار می توان اشاره کرده «وَيُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» یعنی انصار با وجود فقر مهاجرین را بر خود مقدم داشتند. آنچنان که بعد از جنگ با بنی نضیر هنگامی که آن حضرت می خواستند غنائم بدست آمده را تقسیم کنند به انصار فرمودند: «بدرستی که برادران مهاجر شما اموالی ندارند اگر می خواهید این اموال را بین شما و آنها تقسیم نمایم و بدهید.»

در حقیقت در یک حرکت جهادی با گذشتن از خواسته های خود برای دیگران است که می توان مدیریت آن را جهت دهی کرد.

ح) آیه پرهیز از بخل

اشاره به «وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ» خود به یکی از ویژگی های منحصر به فرد در یک حرکت جهادی در تمام اعصار اشاره دارد.

شح فراتر از بخل است، شح، حرص برای منع خیر است. بخل در مال است و شح در مال و امر خیر. شدیدترین و بالاترین درجه بخل، شح نفس است. این که آورده اند انصار شح و هرگونه بخل را از خود دور کردند و در

کنترل خود در آوردند بدان معنا نیست که آن‌ها مال دوست نداشتند. دوست داشتن مال در درون افراد است و خارج از آن نیست. شح در درون و کنار جان انسان‌هاست، بخل در جان افراد جاسازی شده، ولی انصار دریافتند با در اختیار داشتن صفات رذیله نمی‌توانند مسیر تقوی را به درستی طی کنند.

در آخر آیه می‌فرماید: «فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» که به یک نکته باید توجه داشت، اینکه اگرچه این عبارت بعد از به بند کشیدن شح نفس آمده ولی با توجه به کلام آیت الله جوادی آملی این رستگاری به متمم مؤلفه‌هایی است که از ابتدای آیه در مورد شاخصه‌های مدیریت جهادی انصار و شناخت آن‌ها از این حرکت دارد وابسته است. می‌توان نتیجه رسیدن به این فلاح و رستگاری انصار در این آیه را با دیگر آیات قرآن که در آن‌ها سخن از رستگاری است تطبیق داد. در این جا به چند مورد اشاره می‌شود:

«فَأَجْمَعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى»؛ اکنون که چنین است تمام نیرو و نقشه خود را جمع کنید و در یک صف (به میدان مبارزه) بیاید، و رستگاری امروز از آن کسی است که برتری خودش را اثبات کند.

در این آیه اشاره به زمینه‌چینی مسلمین برای ایستادگی همه جانبه جهت مقابله‌ی با دشمن اشاره می‌کند. «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»؛^۵ که هر کس نفس خود را تزکیه کرده، رستگار شده.

شاخصه تذهیب و تزکیه نفس دارد که در نوشتار قسمت شاخصه تذهیب نفس به آن اشاره شد. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ»؛^۶ مؤمنان رستگار شدند. مؤلفه‌ی ایمان مؤمنین که چه در درون و چه در بیرون خود را برای کمک جهادی به برادران دینی خود آماده کردند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۷؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! ربا (و سود پول) را چند برابر نخورید! از خدا بپرهیزید تا رستگار شوید!

در همین مسئله شح النفس بود که مشخص شد توانستند با یه زنجیر کشیدن بخل و شح به مقام تقوا برسند. با توجه به آیات فوق که در مورد فلاح و رستگاری مؤمنین بود و ملاک‌های این فلاح را بیان می‌کرد. مشخص می‌شود این خصوصیات را انصار چه در درون و چه در بیرون خود برای حمایت از پیامبر و مهاجرین به کار بردند و قرآن از آن‌ها به عنوان رستگاران یاد می‌کند.

در پایان می‌توان به طور خلاصه گفت:

۱- مدیریت جهادی با محوریت الله در جهت دفع دشمن درونی و بیرونی است و این جهاد تنها جنگ مسلحانه نیست.

۲- گاهی گذشتن از خواسته‌های نفس و علائقی است که جدا شدن آن‌ها نیازمند ممارست و تزکیه‌ی نفس می‌باشد.

۳- استقبال انصار از مهاجرین تنها یک مسئله ظاهری نبود، بلکه اگر تا به امروز این امر به عنوان الگوی فرهنگی - سیاسی قلمداد شده به خاطر مؤلفه‌هایی است که هر کدام به طور جداگانه مدرسه‌ی انسان سازی است.

۴- اطاعت مطلق، ایمان، تذهیب نفس، بصیرت تشخیص حق از باطل، حب واقعی، حس بی‌نیازی و قناعت، فداکاری و از خودگذشتگی همگی عواملی است برای رشد معنوی و کمال انصار و در نهایت با ذکر این شاخصه‌ها آیه‌ی مورد بحث آن‌ها را مفلحون نامید.

۵- این روش در مدیریت جهادی انصار در شرایط کنونی جوامع اسلامی که تحت سخت‌ترین تحریم‌های دشمنان هستند می‌تواند معیار فعالیت‌ها قرار گیرد.

پی نوشت :

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۹.
۲. حشر: ۹۲.
۳. حرانی، تحف العقول، ج ۲، ص ۵۲؛ بخاری، جامع الصحیح (صحیح بخاری)، ج ۱۱، صص ۳۲۸-۳۲۷.
۴. نحل: ۹۷.
۵. شمس: ۹.
۶. مؤمنون: ۱.
۷. آل عمران: ۱۳۰.

چندی پیش اساتید و طلاب حوزه علمیه زینب کبری سلام الله علیها یکباره خبر درگذشت خانم دکتر فاطمه سروری، استاد برجسته حوزه و دانشگاه را شنیدند. فراقی سخت و جانکاه که اگر وعده های الهی بر حتمیت مرگ نبود، تحمل آن بسی دشوار بود، هم چنان که فرموده اند:

«وقتی عالمی فقیه فوت کند در اسلام رخنه ای ایجاد می شود که چیزی جز جانشین شایسته آن را پر نمی کند». ایشان سال ها هم در عرصه آموزش و هم پژوهش، فعالیت علمی داشتند. سال ها تدریس در دروس مختلف از جمله: ادبیات عرب، حدیث شناسی، احکام، روش تحقیق و تدریس، راهنمایی پایان نامه های تحصیلی، حضور در شوراهای پژوهشی و ارائه مشاوره به طلاب، ایراد سخن در نشست های مختلف علمی و برنامه های رادیویی بخشی از زحمات مجاهدانه این استاد بزرگ بود. استاد دکتر سروری در حالی که سال های زیادی از عمر با برکتشان نمی گذشت، در زمینه های مختلف، سرآمد و الگویی ذو ابعاد برای همگان به ویژه شاگردانشان بودند.

معنویت و عبودیت

ایشان همواره بر توجه به معنویت، تضرع و مناجات های شبانه تاکید داشتند و آن را برای موفقیت در زندگی ضروری می دانستند و خود نیز اهل عمل به آن بودند. برنامه های مراقبه نفس، بیان احادیث اخلاقی جهت تذکر به خود و شاگردان، توجه به شب زنده داری و عبادت های شبانه نمونه هایی از سلوک استاد

در این زمینه بود.

نظم و جدیت

نظم و جدیت خانم دکتر سروری در همه امور به ویژه در تدریس بعد دیگری از وجود ایشان بود. حضور به موقع در کلاس، دقت در مطالعه و یادگیری، رعایت عدالت بین طلاب، ارائه روش های بیان سبک زندگی ایشان، توجه به پژوهش و تحقیق در دروس، تاکید بر مباحثه و روش بیان بسیار جذاب و دقیق تنها بخشی از توجهات ایشان در امر آموزش طلاب بود. به گونه ای که میان شاگردانی که در محضر ایشان آموزش دیدند، مرسوم است که «استاد بر روی تک تک کلمه ها دقت داشتند». ایشان همواره در کنار تعلیم، به تعلم و یادگیری نیز مشغول بودند. مقاطع عالی تحصیل را با تلاش و دقت ویژه سپری می کردند و زمانی که در کسوت شاگردی می نشستند، تلمذ سراسر وجودشان را فرا می گرفت. تاکید همیشگی ایشان برای شاگردان بر حضور در مسیر تعلیم و تعلم و نقش آفرینی در عرصه های مختلف و مورد نیاز بود. مصاحبان با ایشان اگر بنا باشد یک نکته طلایی در زندگی ایشان را مورد الگوبرداری قرار دهند، همگی رعایت نظم حتی در ساده ترین مسائل را بیان می کنند، همان که مولایش امیر المومنین علیه السلام در ابتدای وصیتنامه خویش می فرمایند:

«شما را به ترس از خدا و نظم کارها سفارش می کنم».^۲

طالاب اخلاق نیک استاد را به عنوان اولین جلوه ای که نمودار می گشت، نصب العین خویش داشتند. روی خوش، تواضع، ادب، حوصله و صبوری، بهره گیری از عالی ترین الفاظ در سخن، نشان گر پیروی استاد از ندای «انک لعلی خُلق عظیم»^۳ است.

شاکر و زاهد بودن، دوری از اسراف و تجملات و ساده زیستی در عین اهمّیت به آراستگی و نظم، پرتو دیگری از اخلاق در زندگی این عبد صالح الهی بود. با وجود این که بهره های علمی فوق العاده ای داشتند و دهان که باز می کردند، خوشه چینان علم و معرفت استفاده های شایان می بردند، در مجامع علمی تا رسالت انسانی بر ایراد سخن نبود، زبان نمی گشودند. پایبندی دکتر فاطمه سروی به کلام و سخنان امام خمینی رضوان الله تعالی علیه و رهبر انقلاب حفظه الله بسیار بود و در کلاس ها، برای ارائه سبک زندگی به شاگردان خویش و تحلیل مسائل روز از آن ها بهره می گرفتند. در مباحث فقهی نیز به نظرات امامین انقلاب توجه خاص داشتند.

استادی این چنین مبرّز در علم، معرفت، اخلاق و عرفان، از آن جا که شاگردانشان بانوانی بودند که گاه با وجود داشتن فرزندان کوچک و با مشقت های فراوان سر کلاس درس حاضر می شدند، با کودکان متواضعانه و متناسب رفتار می کردند و مراقب رعایت حقوق آن ها بودند و این مهم را برای مادران طلبه با رفتار خویش با کودک خود که آن روزها سر کلاس می آوردند نشان می دادند.

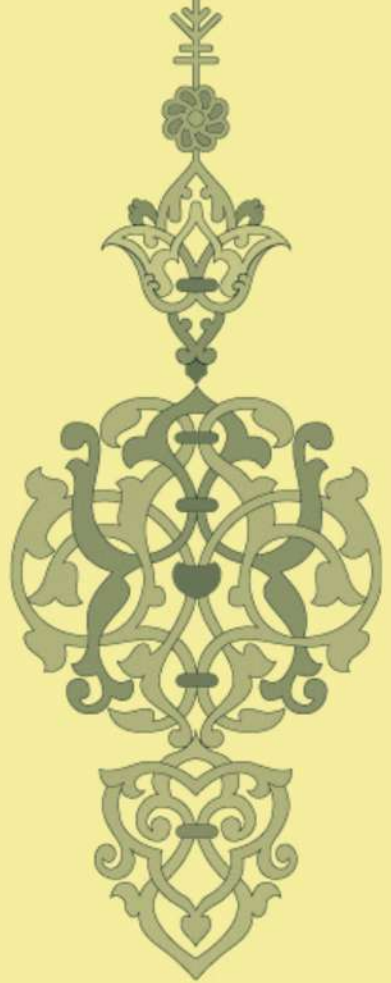
آن روز که خبر درگذشت استاد فاطمه سروی را شنیدیم، این ابعاد وجودی همچون تابلویی مقابل دیدگانمان قرار گرفت. تصویری که سال ها با حضور مجدّانه علمی خویش در حوزه حضرت زینب کبری سلام الله علیها آن را رسم کردند و اکنون حفظ، حراست، الگو سازی و الگو گیری از آن به عهده ما شاگردان است و اینک ما و حسرت فقدان چنین عبد صالحی.

پی نوشت:

۱. وَ إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ تَلَمَّ فِي الْإِسْلَامِ تَلْمَةٌ لَا يَسُدُّهَا إِلَّا خَلْفٌ مِنْهُ... «الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، صص، ۲۳۱-۲۳۰».

۲. أَوْصِيكُمْمَا وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ. «نهج البلاغه (للصّبحی صالح)، ص، ۴۲۱».

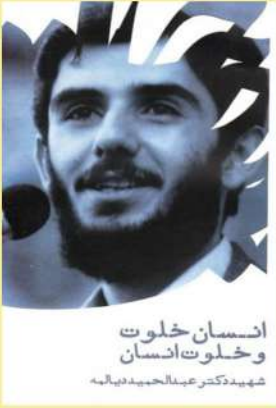
۳. القلم: ۴.



معرفی کتاب

«انسان خلوت و خلوت انسان»

مریم کاویانی (مدرس حوزه)



قبل از ورود به متن خلاصه و معرفی کتابی دیگر از شهید دکتر عبدالحمید دیالمه، یادآور می‌شود که شهید بر آن بود که با طرح مباحث اعتقادی و مبانی آن‌ها، از زاویه‌ای نو به صراط مستقیم نگریسته و ضرورت ضابطه مند بودن این مسیر را در نگاه مسلمانان که در نماز «اهدنا الصراط المستقیم» را بارها تکرار می‌کنند، روشن سازد. هدف شهید دیالمه نشان دادن ظرافت این راه و ضرورت الگوبرداری دقیق از رفتار و منش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. بنابراین از ضوابط صراط مستقیم سخن گفت. اکنون با گذر بیش از چهار دهه از زمان طرح این مباحث، همچنان جامعه اسلامی تشنه کلام زلال شهید، در پاسخ به این سوال است که صراط مستقیم چیست و چگونه می‌توان بر آن گام برداشت؟

خلوت انسان و انسان خلوت

شهید دیالمه در این سخنرانی ابتدا به تلاش‌هایی که استعمار برای تخریب منابع فکری و انسانی انجام داده است اشاره کرده و می‌گوید: «تخریب فرهنگ، به عنوان یکی از روش‌های اصلی و زیربنایی استعماری، به کار گرفته شده و تقریباً زمینه‌ساز از بین رفتن همه‌ی منابع فکری و انسانی شده است».

همچنین ایشان یافته‌های اجتماعی فیلسوفانی مانند «هربرت مارکوز» و «کارل پوپر» و همچنین «ماکس وبر» که اندیشمندانی در حوزه علوم اجتماعی بودند و نظریات مختلفی درباره عواملی که موجب تغییرات در جامعه می‌شوند را مطرح کرده است.

شهید به دلیل مطالعات گسترده‌اش در علوم مختلف و همچنین احاطه کم نظیری که بر مبانی دینی و اعتقادات زیربنایی شیعه دارد و از طرف دیگر آگاهی او به آن چه که در جامعه نوپای انقلاب به ویژه در میان جوانان به نرمی در حال گذار است به زیبایی و عالمانه، تلاش‌هایی که برای انطباق انقلاب اسلامی ایران با تئوری‌های ساخت بشر در حال انجام بود را خنثی کرده و به تبیین مبانی و پایگاه‌های اصلی خاستگاه انقلاب اسلامی می‌پردازد. او چنین می‌گوید:

«... اما در باره این مطلب که سعی کردند مبانی اساسی و پایگاه‌های اصلی (انقلاب) را تخریب کنند و همین کار را انجام دادند، باید بگوییم حالا ما با انقلابی کاملاً الهی توانستیم به پیروزی برسیم که مبنای آن هیچ یک از مبانی حرکت‌ها و نظریه‌های از پیش ساخته نبود؛ به همین دلیل هم امروز می‌بینیم همه آن‌هایی که نظریه‌های از پیش ساخته داشتند، به دنبال این هستند که کاری کنند که این انقلاب را با آن قالب‌های از پیش ساخته‌شان منطبق کنند. درگیری‌ها، اعتصاب‌ها، تحصن‌ها و شلوغی‌ها همه برای آن است که دوباره بتوانند مبانی انقلاب اسلامی را در آن قالب‌ها بریزند. در این انقلاب، انسان فقط انجام‌دهنده کار بود و برنامه را اجرا کرد؛ ولی قدرت و نیرویی که داشت و حرکتی که انجام داد، به هیچ وجه پیش‌بینی شده این انسان نبود. طراح این انقلاب هم انسان نبود».



موضوع اصلی بحث شهید دیالمه در این سخنرانی «انسان» است که با اشاره به حدیث پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آله «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ»^۱ ضرورت پرداختن انسان به خود را مطرح می‌کند. ایشان می‌گوید: «... همان‌گونه که می‌دانید، سخن گفتن از خودشناسی و انسان چقدر مقوله مشکلی است. علتش هم این است که بدون ارتباط با وحی، نمی‌توان از خودشناسی و از انسان سخن گفت؛ چون انسان زمانی می‌تواند خصوصیات چیزی را بررسی کند که بر آن چیز محیط باشد، نه محاط. انسان باید مسلط بر آن چیز باشد؛ نه این‌که وجودش، خود آن چیز باشد...».

در ادامه می‌خوانیم: «انسان از زمان رنسانس به بعد احساس کرد آن‌چه می‌تواند انسانیت را به او برگرداند، عقل اوست و علم هم تحت هدایت عقل کار می‌کند و به وسیله عقل، امکان ارزیابی آن فراهم است، به همین دلیل انسان سعی کرد همه مسائل را به وسیله عقل تحلیل کند. جامعه شناس‌ها، انسان‌شناس‌ها، تاریخ‌نگاران مختلف و همه سعی کردند تحلیل جامعی از انسان ارائه کنند تا بدین وسیله بتوانند ابعاد مختلف انسان را دریافته و با یافتن بُعد حذف شده او بیماری‌اش را تشخیص داده و بر مبنای این تشخیص، نسخه درمانی برای او تجویز کنند».

به دنبال رویکرد اصالت بخشیدن به عقل و علم، طرح‌های انسان‌شناسانه توسط متخصصان مختلف، ارائه شده و طبعاً پس از اجرای هر طرح و به میزان نادرستی آن، جامعه تضعیف و خود، عامل بیماری اجتماعی دیگری می‌شد و در همین حال، متخصص دیگری تلاش می‌کرد تا به زعم خود ضعف آن را برطرف کرده و طرح جدیدی ارائه و در جامعه اجرا کند. خود این تکرار، تضعیف‌های مجددی را در پیش داشت تا کار به جایی رسید که انسان در درون خود احساس خلأ کرده و به دنبال راه حلی برای پر کردن این خلأ درونی و پاسخی برای پرسش‌هایش بگردد. طرح‌های ساخت بشر و نظام‌های علمی یکی پس از دیگری ارائه شد، ولی خلأ و خلوت‌های درونی انسان‌ها را نتوانست پر کند.

لذا «جوان غربی و نسلی که باید امروز سازنده باشد، غالباً به 'هیپی‌گری' یا به گروه‌هایی مثل 'بیتل‌ها' روی آورده است که مطرود و منفور جامعه هستند».

شهید دیالمه، روی آوردن نسل جوان به الکل، مواد مخدر و خودکشی را هم از علائم خلأ درونی برشمرد و می‌گوید: «انسان غربی که به پوچی رسیده، علیه آن نظامی که در آن جا حاکم بوده و او را به این خلوت رسانده، عصیان می‌کند». بهترین راهکاری که جامعه‌ی غربی برای از بین بردن خلوت درون پیش روی جوان گذاشت، این بود که به خودش فکر نکند چون تفکر، خلل و فرج‌های درونی او را برای خودش بیشتر آشکار می‌ساخت؛ «پس باید موقعیت و امکاناتی ایجاد شود که (جوان) خودش را فراموش کند». و شهید در ادامه این‌طور بیان می‌کند که «... مهم‌ترین راهبرد جامعه اروپا و آمریکا این بود که عالی‌ترین و بهترین وسایل را برای سرگرم کردن جوان بسازد تا جوان خلأ درونیش را حس نکند». البته شهید اذعان می‌دارد که افرادی نیز در جامعه ما با «الگوگیری از جوانان غربی، خودشان خالی شده‌اند و عیناً این خلوت را به مردم جامعه‌شان هم انتقال داده‌اند».



و این که «از خصوصیات وجودهای خلوت و خالی این است که همیشه حالت دیگرینی دارند و دیگران بیش از خودشان برای آنها تصمیم می گیرند».

لذا در انتخاب لباس و هر کالایی «بیشتر از آن که خواست و نظر خودشان مهم باشد که چه می خواهند، به این فکر می کنند که دیگران درباره خوبی یا بدی این کالا چه می گویند. یعنی چنین شخصی به دلیل این که وجود خودش به مرور خالی شده است و تصور می کند که دیگران پر هستند، به این باور می رسد که نظر آنان قاطع تر و بهتر است».

شهید دیالمه با قدرتی که ناشی از آموزه های قرآن و اهل بیت علیهم السلام و تبعیت از آنهاست، ماهرانه به تحلیل انسان و جامعه زمان خویش پرداخته و ضمن پیش بینی، به آسیب شناسی هم می پردازد و لذا از افراط و تفریط در این مسیر هشدار می دهد.

شهید ادامه می دهد: «به هر حال، انسان جامعه غربی نتوانست با راه حل های جامعه شناسان و انسان شناس ها که فقط ملاک های علمی را بر مبنای عقل پذیرفته و باور داشتند، وجود خود را پر کند، زیرا آنها فقط توانستند رفتارهای بیرونی انسان را بررسی کنند ولی باید بدانیم که درمان بیماری اندیشه فقط از راه تغییر مسیر اندیشه، امکان دارد. حتی اگر درمان های مادی و بیرونی خیلی وسیع، شوک آور، کوبنده و قاطع باشند، بیماری اندیشه را نمی توانند درمان کنند».

از طرف دیگر در جامعه شرقی هم احساس خلأ درونی پیدا شد و برای رفع آن افرادی به مفهوم افراطی «عشق» به شکل مستقل و بدون حاکمیت چیزی دیگر، روی آوردند و آن را گمشده انسان غربی دانستند. به دلیل گمراهی ها و خطاها، انواع ایسم ها ایجاد شد و هر کسی خود را ناجی بشر دانست، ولی هیچ کدام نتوانستند برای بیماری خلأ درونی انسان درمانی ارائه دهند.

خلوت انسان

شهید دیالمه ادامه می دهند:

«اما افرادی هم بودند که خودشان را دریافتند و به دنبال آن بودند که به دیگران هم بگویند باید از کنار منقل انزوا برخیزند و بیرون بروند و بفهمند که چگونه باید زندگی کنند. آنها هر دوی این ابعاد (عقل و عشق) را دریافتند و جالب است که این افراد پس از آن که خلأ درونشان را به وسیله عقل و چراغ راه پُر کردند، تازه انسان های پُری شدند که به دنبال خلوت می گشتند».

شهید با ظرافت در گفتار، چنین ادامه می دهد که «... دقت بفرمایید این حالت و این خلوت متفاوت است با آن چه در ابتدای بحث عرض کردیم. آن انسان غربی از درون خالی و خلوت بود و داشته های خود را از دست داده بود؛ ولی این انسان سرمایه هایش را بازگردانده و درونش را دوباره برگردانده و وجودش را پر کرده است. چنین انسانی هنگامی که در خلوت قرار می گیرد، احساس می کند ابعاد وجودیش بسیار ضعیف است و باید از نقطه ای که در آن قرار دارد چندین پله بالاتر برود. او خودش را با عوامل و زوایا و قدرت هایی مرتبط می بیند که با او بسیار بسیار فاصله دارند. او خود را در برابر قدرتی مطلق، کوچک و حقیر می بیند. مصداق تام و تمام چنین انسانی، وجود مولا امیرمؤمنان علی علیه السلام است ... چون خلأهای درونی این فرد به مرور پر شده است؛ در نتیجه با افراد خالی که در اطرافش هستند، متفاوت می شود و با آنها احساس بیگانگی می کند و خود را تنها می بیند».



«انسانی که توانسته برخی از خلأهای درونیش را پر کند، خود را در میان افراد خالی می‌بیند و تحمّل زندگی با آنها را ندارد، ... از آنها می‌خواهد هر سؤالی دارند از او بپرسند ولی آنان مطالبی می‌پرسند که نشان می‌دهد به هیچ وجه نمی‌فهمند او چه می‌گوید. در نتیجه آرام آرام احساس می‌کند که به خلوتی نیاز دارد تا با افرادی که از او برتراند مرتبط بشود، و اینجاست که انسان با الله رابطه‌ای پیدا می‌کند. این رابطه تحت عنوان «حَبِّ» شناخته می‌شود».

واژه «حَبِّ» در قرآن در همه آیات برای حبّ به خدا به کار رفته و در آیاتی که در راه خدا نیست قرآن آن را نفی کرده است.

سپس با اشاره به آیه ۲۴ سوره توبه به انسانی که از درون خود را پر کرده است اشاره می‌کند که او وابستگی‌ها و تعلقات مادی را از خود دور کرده و می‌خواهد با الله رابطه برقرار کند.

«انسانی که در مکاتب مختلف از آنها یاد می‌شود موجوداتی هستند که در یکی از ابعاد وجودی بی‌رویه رشد کرده و اگر بتوانیم شمای ظاهری او را طبق تعریف اندیشه‌های متفاوت ترسیم کنیم موجودی ناهماهنگ خواهد بود که گاهی سرش بسیار بزرگ و قلبی بسیار کوچک و گاهی انسانی با یک پای دراز خواهد شد و لذا ناموزون و نامتعادل بوده و قادر به حرکت صحیح نخواهد بود. ... با تحقیق در این زمینه خواهیم دید که اسلام به ما طرح همه جانبه و فراگیری برای تربیت انسان ارائه می‌دهد تا بفهمیم چگونه برنامه‌ریزی کنیم، چگونه انسان را تربیت کنیم...»

در ادامه شهید می‌گوید موضوع دیگر آن است که هر قدر انسان خلأهای درونش را پر کند به همان میزان دیگران حرف‌هایش را نمی‌فهمند.

«... نمونه‌اش امام امیرمؤمنان علی ابن ابی طالب علیه السلام است که ظرف وجودیش در نهایت پر بودن است» لذا دست کمیل ابن زیاد را گرفته و برای ارائه علمی که در سینه دارند به بیابان می‌برند و در نهایت هم که می‌بینند او بیش از این گنجایش دانستن ندارد به او می‌فرمایند: «اگر می‌خواهی بروی، برو».^۲

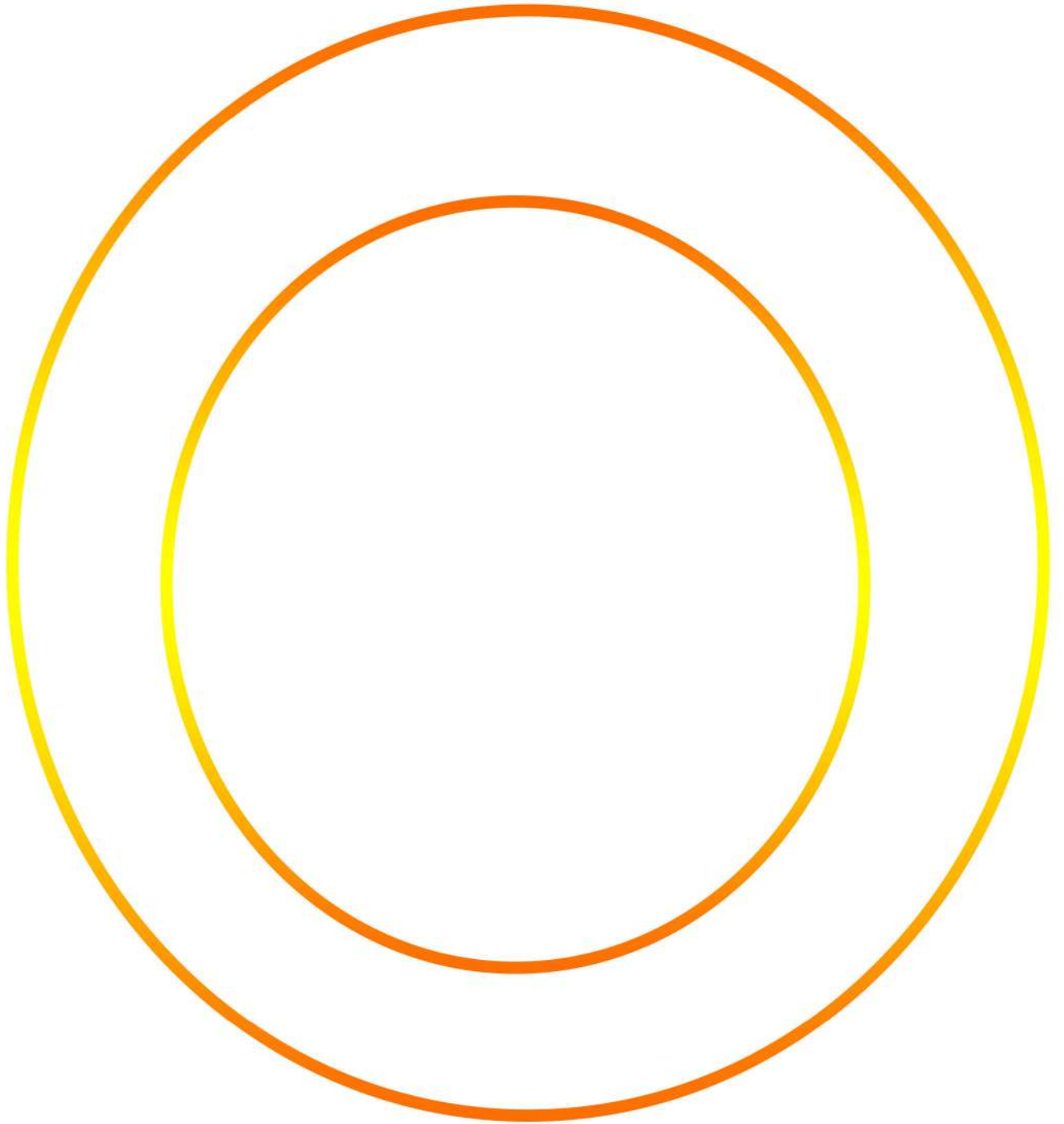
«این نشان می‌دهد که ظرف وجودی امام آن قدر پر است و از خلأها و روزنه‌های نفوذپذیر مبراست که اصلاً و ابداً جذب و موقعیت او برای دیگران تحمّل کردنی نیست...».

...این بود خلاصه ای از اهم مطالب کتاب «انسان خلوت و خلوت انسان» که متن نوشته شده سخنرانی شهید دکتر عبدالحمید دیالمه است که به همت دفتر نشر معارف به چاپ رسیده است. شما عزیزان می‌توانید این کتاب را از طرق مختلف از جمله سایت موسسه احیاء ثقلین و مرکز نشر تهیه آثار شهید دکتر عبدالحمید دیالمه تهیه بفرمایید. این مقاله تنها گوشه ای از مباحث ارزنده این کتاب است صرفاً برای ایجاد تشنگی در کام حقیقت جویان.

پی نوشت:

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۲.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۹.



واحد پژوهش
حوزه علمیه حضرت زینب کبری سلام الله علیها

www.zbrs.ir